عادات صحیح نویسندگی

شیرازی، کامیار

پیروی از عادات صحیح نویسندگی،فواید بسیار زیادی‏ برای نویسندگان دارد.

نویسنده در کوران زندگی،گاه به سختی،زمان مناسبی‏ برای داستان‏نویسی پیدا می‏کند.اما تنها زمان کافی نیست. مسئله مهّم کسب عادات صحیح نویسندگی است.

نوشتن فرایندی است که باید به‏طور منظم و در یک زمان‏ مشخص صورت پذیرد؛همچون مسواک زدن دندان.بزرگترین‏ اشتباه یک نویسنده،منتظر ماندن برای دریافت الهامات‏ فرا حسی است.گاه این انتظار به درازا می‏کشد و درست معادل‏ مقدار زمانی می‏شود که فرد برای نوشتن یک رمان بزرگ‏ می‏بایست صرف کند.

عادات صحیح نوشتن،امری است که به سادگی و در کوتاه‏ترین زمان در وجود انسان تثبیت می‏شود.انسان برای‏ تغییر عادات،نیازمند زمان مناسب است،و باید بسیار تلاش کند. در آن زمان،فرد،ناخواسته و بدون صرف انرژی،به انجام عادات‏ جدید مبادرت می‏ورزد.

یکی از عادات صحیح نوشتن،انتخاب و تعیین زمان‏ مناسب برای داستان‏نویسی است.نویسنده باید هر روز در یک‏ زمان مشخص به امر نوشتن مبادرت ورزد.بهترین زمان برای‏ نویسنده،زمانی است که کسی مزاحم او نگردد و بتواند با خیال‏ راحت و در کمال آرامش به نوشتن بپردازد.

انتخاب زمان مشخص،همچنین باعث می‏گردد تا شخص‏ به تدریج به زمان و مکان مشخص شرطی شده و تمرکز حواس‏ بیشتری به دست آورد.این زمان می‏تواند صبح،هنگام ظهر،بعد از شام و یا هر زمانی باشد که نویسنده کار چندانی برای انجام‏ دادن نداشته باشد.

بدین طریق،خانواده و دوستان نیز به شرایط موجود عادت‏ کرده کمتر برای شما مزاحمت فراهم می‏سازند.آنان ناخواسته‏ خود را با شرایط شما تطبیق داده،به سراغ شما نمی‏آیند.

نویسنده همچنین در برخورد با واکنش شدید نزدیکان،باید آرامش خود را حفظ کرده،صبور باشد،تا زمان تعیین شده او به تدریج برای همگان تثبیت گردد و پذیرای آن باشند.جدا از این،نویسنده با انتخاب یک مکان ثابت در یک اتاق مشخص، بازدهی کار خود را افزایش دهد.

توصیه می‏شود که کاغذها،قلمها و سایر و مسایل نوشتاری، در مکانهای مشخص و ثابت خود باشند.

مسئله دیگری که نویسنده باید همواره و در طول روز انجام دهد،تفکر و تحلیل داستان خود در حین انجام کارهای‏ معمولی روزانه است.

انسان می‏تواند هنگام برخی اعمال ساده و راحت،به تفکر و مرور اندوخته‏های خود مبادرت ورزد،یک نویسنده خوب،باید از این زمان کمال استفاده را ببرد در طول این زمان نویسنده‏ می‏تواند موضوع داستانی خود را انتخاب کند،درباره دنباله‏ حوادثی که قرار است در داستان رخ دهد فکر کند،به نحوه‏ شخصیت پردازی داستان بیندیشد و یا زمان مشخصی را برای‏ طرح گره داستانی انتخاب کند.

هنگام قدم زدن در خیابان،جارو کردن خانه،شستن‏ ظروف...زمان مناسبی برای تفکر است.

چنین شیوه‏ای باعث می‏گردد تا انسان آن چنان اسیر رویاهای بیهوده و بی‏اساس نگردد.ایجاد تمرکز حواس و مهار کردن جریان سیال ذهن،همواره آرزوی دیرینه انسانهایی است‏ که نسبت به فرایند ذهن و تمایل به گشت‏زنی‏های بی‏مورد آن‏ در خاطرات،آگاه هستند.

نویسنده با تعیین موضوعهای خاص و تفکر طولانی‏ پیرامون موضوع،می‏تواند به تدریج جریان لگام گسیخته ذهن را مهار کرده،آن را تحت نظارت خود دربیاورد.

البته نویسنده می‏تواند در ارتباط با موضوع هدفمندی‏ که می اندیشد،به ذهن آزادی کامل جهت گشت‏زنی پیرامون‏ مسائل مختلف حول و حوش همان موضوع را بدهد.

اگر نویسنده گمان می‏کند که باید گوشه‏ای بنشیند و ساعتها به دیوار خیره شود،اشتباه بزرگی کرده است.

او می‏تواند از زمانهای مرده خود استفاده کرده،در مورد با نحوه شکل‏گیری داستان اندیشه کند.همچون نشستن در اتاق‏ انتظار مطب یک دکتر،در اتوبوس،هنگام رانندگی...

اصولا نظرسنجی و شنیدن نقطه‏نظرات دیگران،می‏تواند راهگشای کار نویسنده باشد،و چشمان او را به روی بسیار مسائل بگشاید.

اما نویسنده باید در انتخاب افراد تحلیلگر و صاحب‏نظر، هوشیار باشد.معمولا وابستگان و دوستان نزدیک،به دلیل‏ نداشتن اطلاعات لازم،افراد مناسبی برای مشورت نیستند. آنها حتی بینش و دیدگاه درستی از جریانهای ادبی،داستان و سازه‏های آن،ندارند.آنچه آنان بازگو می‏کنند،معمولا با توجه‏ به سلیقه آنهاست.

نویسنده نباید به افرادی که نسبت به آنها وابستگی عاطفی‏ شدیدی دارد وابسته باشد و همواره نظرات آنها را در نظر بگیرد. معمولا همسران و دوستان نزدیک،با ارائه نقطه‏نظرات اشتباه‏ خود،ضربات جبران ناپذیری را بر پیکر رمان و داستان کوتاه‏ نویسندگان وارد می‏سازد.

نویسنده،همچنین،باید توانایی لازم را جهت ویراستاری‏ اثر خود،داشته باشد.او نباید متکی به اشخاص دیگر باشد؛و باید نوشتن فرایندی است که باید به‏طور منظم و در یک زمان مشخص صورت پذیرد؛همچون مسواک‏ زدن دندان.بزرگ‏ترین اشتباه یک نویسنده،منتظر ماندن برای دریافت الهامات فراحسی است.گاه‏ این انتظار به درازا می‏کشد و درست معادل مقدار زمانی می‏شود که فرد برای نوشتن یک رمان بزرگ‏ می‏بایست صرف کند

به تدریج،دانش و تبحر خود را پیرامون نثر،علم نحو و صرف‏ و...تقویت کند.

جدا از این،در نظر گرفتن زمان مناسب برای بازنگری‏ متون،امری واجب و ضروری است.

معمولا،در نظر گرفتن فاصله زمانی میان خلق اثر و بازنگری آن،این امکان را به نویسنده می‏دهد تا نقایص کار خود را بهتر متوجه گردد.

هنگام نوشتن داستان،اگر نویسنده دچار دلهره و نگرانی‏ شد،نباید به سرکوب آن مبادرت ورزد.بلکه باید به صورت‏ اصولی و به نحوه صحیح،با نگرانیها برخورد کند.یکی از ساده‏ترین روشها،نوشتن یک نامه به خود است،نویسنده،پس‏ از نوشتن عواملی که باعث نگرانی او شده،ناخواسته،احساس‏ آرامش بیشتری می‏کند.

اصولا ماندگاری دل‏نگرانی‏ها،منجر به یاس و افسردگی‏ طولانی می‏گردد.

دل‏نگرانی‏های نویسنده پیرامون داستان‏نویسی،باید مشخص و شناسایی گردد.چه عواملی باعث نگرانی نویسنده‏ شده است؟انتخاب شخصیت اصلی داستان؟فقدان موضوع‏ مناسب برای دنبال کردن حوادث؟...

نوشتن مسائل،کمک می‏کند تا نویسنده خود به علت بروز نگرانی پی برده،جواب مناسبی برای رفع آن بیابد.

نویسنده بهتر است همواره گزارشی روزانه از نحوه انجام‏ کارهایش تهیه کند.

این راه،روش مناسبی برای هدایت و تشویق نویسنده به‏ حساب می‏آید؛خاصه برای پروژه‏ها و طرحهای بزرگ داستانی. همچنین،به نویسنده این امکان را می‏دهد تا واقع‏بینانه،زمان‏ مناسب برای پایان کار را تعیین کند،و از حداقل زمان،حداکثر استفاده را ببرد.

به‏طور مثال،اگر نویسنده بداند که می‏تواند در شرایط تعیین شده خود،پانصد کلمه در هر ساعت بنویسد،درخواهد یافت که اگر در طول هفته سه ساعت بنویسد،می‏تواند در طی‏ 50 هفته،حدود هفتاد و پنج هزار کلمه بنویسد.

او اگر بتواند ده ساعت در هفته بنویسد،می‏تواند اثر را در ظرف پانزده هفته تمام کند.

نویسنده باید جدا از دفترچه‏ای که همیشه همراه خود دارد تا به ثبت اطلاعات روزانه بپردازد،دفترچه‏ای برای خود تهیه کند،و در آن،نام اشخاص،مکانها،نمادها،اسطوره‏ها، شخصیتهای تاریخی و رویدادهای خاص و مهّمی را که‏ می‏شنود،می‏خواند و یا می‏بیند یادداشت کند.

نوشتن اطلاعات کسب شده،این امکان را به نویسنده‏ می‏دهد تا با فراغ بال به سراغ اندوخته‏های خود برود.

در عین حال که،باعث می‏شود تا نویسنده احساس آرامش‏ کند.چون می‏داند آنچه به دست آورده است،از یادش نخواهد رفت؛و هر زمان که بخواهد،می‏تواند به سراغ آنها برود.

تمامی موارد یاد شده،عادات صحیحی هستند که می‏توانند در مقاطع مختلف به یاری نویسنده بیایند.

ظاهرا انجام این کارها،ساده به نظر می‏رسد.اما اگر فرد به‏ گونه‏ای دیگر عمل کند،عادت به انجام آن،کار بسیار مشکلی‏ است.

منبع مورد استفاده:

Advice on novel writing,by crawford kilian.